

نقش جناح‌گرایی روحانیت در تضعیف باورهای دینی

محمدکاظم کریمی*

چکیده

باورها مهم‌ترین بخش محتوایی دین هستند و عوامل و زمینه‌های گوناگونی در تقویت و تضعیف آنها نقش دارند. جناح‌گرایی به معنی وابستگی به علایق و تمایلات جناح‌های سیاسی کشور، از پدیده‌هایی است که در نظام جمهوری اسلامی به دلیل گرایش به سیاسی‌شدن مضاعف جامعه، مبتلابه اغلب اقشار جامعه به‌ویژه روحانیون بوده است و به دلیل نقش الگویی آنان در گرایش‌های اعتقادی و اخلاقی جامعه، تأثیر بسزایی در تغییر و تضعیف باورهای دینی افراد ایفا می‌کند. نوشتار حاضر با هدف آسیب‌شناسی جناح‌گرایی روحانیون، کوشیده است با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با استناد به میراث دینی، چگونگی اثرگذاری این پدیده و پیامدهای آن بر تضعیف باورهای دینی اعضای جامعه را گوشزد نماید. ارزیابی نهایی آن است که جناح‌گرایی روحانیت دست‌کم به دلیل داشتن پیامدهایی مانند کاهش اعتماد به روحانیت، رواج تساهل و تسامح در امر دینداری، گرایش به اندیشه‌های رقیب، تنزل منزلت آموزه‌های دینی و کاهش تحمل‌پذیری و طرد متقابل، می‌تواند بر باورهای دینی اقشار گوناگون جامعه تأثیر منفی برجای گذارد.

کلیدواژه‌ها

روحانیت، سیاست، جناح‌گرایی، دینداری، باورهای دینی.



مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی ایران هرچند متأثر از عوامل و زمینه‌های گوناگونی بوده، بیش از همه در مبانی فکری روحانیت شیعه ریشه داشته است که با آگاهی بخشی به توده‌های مردم، آنان را در خلق این رویداد بزرگ راغب ساختند. تکیه بر حرکت‌های مردمی و ایجاد بسترهای لازم برای حضور پررنگ قشرهای گوناگون مردم در فعالیت‌های سیاسی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی به رهبری روحانیت به شمار می‌رود. بر همین اساس، یکی از پیامدهای انقلاب اسلامی، شکل‌گیری گروه‌ها و جناح‌های سیاسی متأثر از آرمان‌ها و اهداف انقلاب بوده است و روحانیت به دلیل احساس دلبستگی به این اهداف و آرمان‌ها و با توجیه کمک به تحقق آنها، در گرایش به جناح‌ها و جریان‌های سیاسی پیشگام بوده و گاه خود از هسته‌های مرکزی شکل‌گیری آنها نیز بوده‌اند.

حضور و مشارکت در مرکز توجه جناح‌های سیاسی برای روحانیون، اگرچه با رویکرد فوق‌دارای برخی قوت‌ها و مزیت‌ها بوده است، از زوایای متعدد دیگر آسیب‌هایی داشته و به تدریج به تضعیف جایگاه دینی و مردمی این قشر منجر شده است. توجه به این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که این امر تأثیر بسزایی در جهت‌دهی باورهای اعضای جامعه دارد؛ به‌ویژه آنکه عمل و رفتار روحانیون به دلیل مرجعیت دینی‌شان، بر فرایند شکل‌گیری بینش، نگرش، گرایش و رفتارهای اعضای جامعه پیامدهای مهمی برجای می‌گذارد. بر همین مبنا، این مطالعه درصدد پاسخ به این پرسش است که جناح‌گرایی روحانیت چگونه بر تضعیف باورهای دینی اعضای جامعه اثر می‌گذارد و چه پیامدهایی دارد؟

پرداختن به این موضوع از آن جهت دارای اهمیت است که روحانیون با آگاهی از مخاطرات و پیامدهای جناح‌گرایی، حضور در مجامع و گروه‌های سیاسی را به گونه‌ای مدیریت کنند که به دام جناح‌گرایی سیاسی گرفتار نشوند و از ورود بی‌ضابطه به فعالیت‌های سیاسی پرهیز نمایند. از نگاهی دیگر، این بررسی در تقویت و ارتقای دانش سیاسی و اجتماعی طلاب حوزه علمیه نقش بسزایی دارد و آگاهی از نتایج آن برای این قشر ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. بی‌گمان به دلیل پیچیدگی نسبی موضوع و ظرافت‌هایی که به طور طبیعی بر آن مترتب است، تاکنون کمتر بررسی شده. و ادبیات علمی پُرباری درباره آن تولید نشده است و به همین سبب، نوآوری وجه

برجسته این نوشتار خواهد بود.

در صورت‌بندی این تلاش علمی که از نوع مطالعات توصیفی است، سعی گردید با ارجاع به اسناد و به شیوه کتابخانه‌ای به گردآوری اطلاعات مبادرت گردد و در پایان به مدد تفسیر و تحلیل، داده‌ها پردازش و تدوین شوند. برای یافتن پاسخ مناسب به پرسش فوق، مطالب این نوشتار در قالب چهار محور تدوین گردیده است:

۱. جایگاه و اهمیت کنشگری سیاسی روحانیان؛
۲. روحانیت و جناح‌گرایی سیاسی؛
۳. پیامدهای ورود روحانیان به جناح‌بندی‌ها و گرایش‌های سیاسی؛
۴. پیامدهای جناح‌گرایی روحانیت در تضعیف باورهای دینی.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. جناح‌گرایی

جناح به فتح اول معادل (faction) در لغت به معنای طیف، دسته، جریان (حق‌شناس و دیگران، ۱۳۸۶، ج: ۱، ص: ۵۳۹) و در اصطلاح مجموعه‌ای از گروه‌های سیاسی است که با اهداف و دیدگاه‌های مشترک در کوتاه‌مدت و یا بلندمدت به منظور رقابت و کسب قدرت سیاسی، در داخل یک حکومت یا حزب گرد هم می‌آیند، بدون اینکه دارای ماهیت رسمی و شخصیت حقوقی باشند (جمال‌زاده، ۱۳۸۲: ص ۳۸). بدین‌سان، جناح بخشی از یک واحد یا جریان سیاسی است که لزوماً مداومت ندارد و بنا بر ضرورت و به مناسبت‌هایی مانند انتخابات مجلس یا ریاست جمهوری و غیر آن تشکیل می‌شود (ر.ک: همان: ص ۳۸).

بر خلاف احزاب، جناح‌ها با ویژگی‌های زیر معرفی می‌شوند:

۱. دارای شعبه در سراسر کشور نیستند؛
۲. شخصیت حقوقی ندارند؛
۳. به مرور زمان می‌توانند مواضع خود را تغییر دهند و شناسایی خود را دچار مشکل سازند (همان: ص ۳۸).

مقصود از «جناح‌گرایی» در اینجا ابراز تمایل و گرایش به مواضع و دیدگاه‌های یک جناح سیاسی است؛ به گونه‌ای که در مواجهه با پدیده‌ها و موضوع‌های سیاسی و اجتماعی، از تصمیم‌ها و



رویکردهای آن بدون توجه به معیار داوری درباره آنها تبعیت گردد؛ ازاین‌رو نفس حضور روحانیون در فعالیت‌های سیاسی و داشتن موضع سیاسی، همچنین عضویت در گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی مشروط به رعایت جوانب شرعی و پای‌بندی به الزامات دینی، مصداق جناح‌گرایی تلقی نمی‌گردد.

۱-۲. باورهای دینی

در یک تقسیم‌بندی، دین به سه بخش اصلی تقسیم گردیده است: بخش اول، حوزه ایمان و باورهاست. اعتقاد به وجود هستی‌بخش، خلق و بعث عالم، ضرورت ارسال پیامبران، وجود عالم غیب، وجود عالم آخرت و مانند آن در دایره باورهای دینی قرار می‌گیرند؛ بخش دوم، حوزه اخلاق و ارزش‌هاست. این بخش شامل بایدها و نبایدها و فضایل و رذایل اخلاقی است که چگونگی برقراری رابطه انسان با آنها و زمینه سعادت و شقاوت او را فراهم می‌سازند؛ بخش سوم، شریعت یا مجموعه احکام و قوانینی است که برای شکل‌گیری ارتباط بندگان با خالق و گاه به منظور زیست بهتر اعضای جامعه و سامان درست امور زندگی‌شان، به عمل طبق آنها ملزم می‌شوند (کریمی، ۱۳۹۵: ص ۱۷۷). از این میان، حوزه باورها به دلیل ارتباط با جهان‌بینی و مبانی فکری، اهمیت اصلی و اساسی دارد و دو حوزه دیگر وابسته و متأثر از آن پدید می‌آیند. دارا بودن باورهای استوار و مستدل در جامعه امروز یک نیاز حداقلی است تا از طریق آن بتوان به صورت مستدل و منطقی از پایه‌های ایمانی خود در برابر شبهه‌ها و چالش‌های فرارو دفاع کرد. در این صورت، هر عاملی که قدرت و استحکام باورها را تهدید یا تضعیف کند، به اختلال کارکردی آنها می‌انجامد و اثرگذاری آنها را در شکل‌دهی زیست دینی مطلوب خدشه‌دار می‌سازد.

۲. رابطه دین و سیاست

هدف اصلی ادیان الهی، هدایت جامعه بشری به سوی سعادت و کمال واقعی است و بر همین مبنا، دعوت پیامبران، بیان موازین اخلاقی و تشریح احکام و قوانین صورت پذیرفته است. صدرالمتألهین شیرازی باریافتن خلق به قرب الهی و رسیدن به سعادت واقعی را هدف بعثت انبیای بزرگ الهی دانسته و می‌گوید: «طبق مبانی و شواهد عقلی و نقلی، هدف نهایی از ادیان الهی و بعثت انبیای عظام، سوق‌دادن مردم به مقام قرب الهی و راه‌یافتن به سعادت لقای او و بالا آمدن از مرتبه پست دنیا به درجه کمال است و این امر تنها با شناخت خداوند و شناخت

صفات او و اعتقاد به ملائکه و پیامبران و کتاب‌های مقدس و روز آخرت میسر است» (شیرازی، ۱۳۵۴: ص ۴۹۷). با وجود این، تحقق اهداف دین تنها با محدودشدن در حیات فردی انسان‌ها میسر نمی‌گردد؛ بلکه ورود دین به عرصه‌های حیات اجتماعی مانند سیاست، اجتماع، اخلاق، قانون و دیگر عناصر حیات اجتماعی ضرورت می‌یابد. عرصه سیاست و اداره امور سیاسی جامعه یکی از عرصه‌های مهمی است که رابطه تنگاتنگی با امر دین در جوامع امروز دارد و نقش تعیین‌کننده‌ای در اتخاذ رویکردها و شکل‌گیری رفتارها و نگرش‌های مردمان در همه زمان‌ها و مکان‌ها دارد.

با وجود این، با تأسف امروزه سکولاریسم (Secularism) به عنوان رقیب اصلی ادیان الهی در ساحت حیات سیاسی و اجتماعی بشر عرض اندام کرده است. این پدیده که بنیادی‌ترین آموزه مدرنیته است، همسو با تحقق آرمان مدرنیته در بُعد هستی‌شناسی، پا به عرصه وجود نهاد و با رویکردی انسانی و این‌جهانی، بریدن انسان از آسمان و جستجوی نیازش در این جهان را مطالبه می‌کند. سکولاریسم به عنوان بنیان هستی‌شناسی تمدن جدید غرب، امروزه تا عمق لایه‌های پنهان جامعه رسوخ کرده است و ساحت‌های گوناگون زیست اجتماعی انسان معاصر را تحت تأثیر قرار داده است. در ساحت الهیات، سکولاریسم بر نداشتن ارتباط دین و دنیا و بریدن انسان از ماورا اصرار دارد؛ در ساحت سیاست، سکولاریسم به بی‌ارتباطی دین و نهادهای دینی از سیاست حکم می‌کند و از اینکه مشروعیت حکومت بر مبنای دین تعریف گردد، نهی می‌نماید؛ در ساحت اجتماع نیز به قطع رابطه دین و آموزه‌های آن در شکل‌گیری روابط انسان‌ها و تأسیس نهادهای اجتماعی اصرار می‌ورزد (ر.ک: کریمی، ۱۳۹۵: ص ۱۵۸).

بدین‌سان دغدغه‌مندی درباره موضوعات و مسائل سیاسی و اجتماعی و حساسیت در برابر سرنوشت جامعه برای هر یک از اعضای جامعه اسلامی به‌ویژه روحانیون امری ضروری است و به طبع عطف توجه بدین امر، مصداق جناح‌گرایی تلقی نمی‌گردد؛ بلکه حضور مؤثر در مجامع و محافل سیاسی، کسب آگاهی از عمل‌گروه‌های سیاسی و نظارت بر عملکرد سیاستمداران و عوامل اجرایی حکومت، بدون دخالت‌گرایی‌های شخصی یا اتخاذ موضع موافق و مخالف، مصداق احساس تکلیف و ادای دین به سرنوشت جامعه خویش تلقی می‌گردد.

۳. سیاست‌ورزی روحانیون

مهم‌ترین شأن روحانیون، هدایت‌گری جامعه است که به تأسی از انبیا و اولیای الهی انجام



می‌پذیرد و عرصه قدرت و حکومت به دلیل ارتباط مستقیم با زیست روزمره مردم، سهم به سزایی در این هدایت‌گری دارد. بر همین اساس، حضور و تأثیرگذاری روحانیت شیعه در عرصه سیاست و سیاست‌ورزی، پیشینه‌ای به بلندای غیبت امام معصوم علیه السلام دارد. جانشینی امام در ابلاغ پیام دین به مردمان، در دوره نبود امکان برقراری ارتباط مستقیم با ایشان، رسالت مهم عالمان شیعه است که از صدوق تا خمینی برای انجام آن تلاش کرده‌اند و هر یک به شیوه خاص خود در تحقق آن سهمی داشته‌اند.

با وجود این، حضور مؤثر روحانیون در حوزه سیاست‌ورزی ایران‌زمین به عنوان کنشگر سیاسی در معنای مصطلح آن، به جنبش مشروطیت ایران در دهه‌های پایانی قرن سیزدهم شمسی برمی‌گردد و حضور عالمانی همچون سیدعبدالله بهبهانی، سیدمحمد طباطبایی، آخوند خراسانی، میرزای نائینی، شیخ فضل‌الله نوری و مانند آن در مصدر تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی رخدادهای مربوط به نهضت مشروطیت ایران، همراهی عالمان شیعی را با این نهضت مسجل ساخت؛ اما به دلیل آنچه که به فریب‌دادن روحانیت شیعه یاد شده (امام‌خمینی، ج ۴: ص ۲۸۸)، جنبش مشروطیت از اهداف خود در تحقق احکام و آموزه‌های اسلامی آن چنان که مورد انتظار بود، باز ماند؛ از این‌رو توفیق نیافتن در دستیابی به اهداف، آنان را وادار می‌ساخت تا برای تحقق رسالت خویش از هر نوع کوششی باز نایستند. بدین‌سان انقلاب اسلامی ایران را باید تلاشی از سوی عالمان شیعه به منظور جبران کاستی‌های انقلاب مشروطیت قلمداد کرد.

امام‌خمینی را باید پیشروترین روحانی سیاسی در دوره معاصر در جهان اسلام به شمار آورد که امر سیاسی را با نگاه ویژه نگریسته است. تمایز این نگاه از آن جهت است که وی با شناخت درست اقتضانات حوزه سیاست و با تیزبینی و دوراندیشی خاص خویش به این عرصه وارد گردید و در روزگاری که به تعبیر ایشان سیاسی‌بودن در حوزه علمیه به منزله «فحش» تلقی می‌گردید (امام‌خمینی، ۱۳۸۶، ج ۹: ص ۱۷۷)، ورود به عرصه سیاست و ایفای نقش کنشگر سیاسی در کسوت روحانیت را وظیفه خود دانست.

سیاسی‌بودن در نگاه امام به معنی داشتن بینش سیاسی درباره مسائل و موضوع‌های مبتلابه جامعه و آگاهی به معادله‌های قدرت برای اداره بهتر جامعه است. به این سبب، ایشان به تقبیح تلاش‌هایی پرداخت که به دوری‌گزینی روحانیون از سیاست می‌انجامد و پیشینه آن را با معیارهای عقلی سازگار نمی‌داند: «یکی از فحش‌هایی که گاه [به] یک آخوندی، اگر می‌خواست

یک حرفی بزند که به درد مملکتش بخورد، می‌گفتند «سیاسی» است. اوایل که ما آمده بودیم قم، یکی از علمای محترم - که محترم و در قم رئیس بود - این را بعضی مقدس مآب‌ها اشکال به او داشتند می‌گفتند منزلش «روزنامه» پیدا می‌شود! این طور، مغزها را تهی کرده بودند که اگر یک مآلی منزلش روزنامه بود، این اسباب طعنه می‌شد» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۹: ص ۱۷۷). به هر رو، برخلاف چشم‌اندازهایی که ارزیابی غیرواقع‌بینانه از سیاست و قدرت داشته‌اند، از نگاه امام تنزل سیاست به خدعه و نیرنگ، تنها با هدف کنارزدن رقیب و بیزار ساختن دینداران برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن در اداره جامعه اسلامی بود. از این نگاه، سیاست در متن اسلام قرار دارد و آن چیزی جز اداره صحیح امور کشور اسلامی و تحقق اهداف آن برای تعالی بخشیدن و به کمال رساندن جامعه و افراد آن نیست (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۵: ص ۱۱-۱۲).

۴. روحانیت و جناح‌گرایی سیاسی

بی‌تردید اصلی‌ترین بستر تبلور و تجلی حضور افراد و گروه‌ها در عرصه سیاست‌ورزی و عمل سیاسی در عصر کنونی، احزاب، جناح‌ها و تشکل‌های سیاسی مردم‌نهاد است. در کشور ما امروزه جناح‌ها و تشکل‌های سیاسی در واقع شکل تقلیل‌یافته احزاب سیاسی‌اند و به طور معمول مانند احزاب با هدف کسب قدرت و دخالت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی شکل می‌گیرند. هر حزب یا جناح سیاسی دارای ارکان و عناصری از جمله مؤسس، اساسنامه، ایدئولوژی و اعضای است. گروه‌هایی از انسان‌ها با پیشینه و هدف مشخص دور هم جمع می‌شوند و از ایدئولوژی خاصی حمایت می‌کنند و برای تحقق اهداف و سهم‌خواهی از قدرت، به تأسیس حزب یا جناح سیاسی مبادرت می‌ورزند.

ساده‌انگارانه است اگر تصور شود احزاب و تشکل‌های سیاسی بدون پیشینه و برنامه‌ریزی قبلی و در خلأ به وجود آمده‌اند. از آنجا که هر حزب نیازمند مرانامه یا اساسنامه است، در نخستین گام باید به تدوین و ارائه آن اقدام کند و به تدریج زمینه را برای عضوگیری و مشارکت اعضا فراهم آورد. با شروع فعالیت حزبی، زمینه‌های لازم برای تحمیل خواسته‌ها، فشار بر قدرت حاکم و اعمال ایدئولوژی خود فراهم می‌گردد.

آستین رنی در کتاب حکومت می‌نویسد: «سیاست ستیزه‌ای چندجانبه بین افراد و گروه‌هایی است که می‌کوشند با عمل خود دولت را وادارند تا آنها را یاری دهد یا مانع از آن شوند که دولت



به آنها زیان برساند» (رنی، ۱۳۷۴: ص ۴۷). به باور رنی، رقبای سیاسی برای رسیدن به خواست‌های خویش دست‌کم از هشت تاکتیک برای اعمال فشار بر دولت استفاده می‌کنند و این رقبا هستند که تعیین می‌کنند چه ترکیبی از این تاکتیک‌ها ممکن است بیش از همه پیروزی به بار آورد. این تاکتیک‌ها سطوح متعددی داشته و از «تحمیل عقیده بر دستگاه قانون‌گذاری»، «فعالیت در چارچوب احزاب سیاسی»، «تبلیغات همگانی» و «دادخواهی» تا «تظاهرات»، «اعتصاب و تحریم»، «نافرمانی مسالمت‌آمیز» و «خسونت» را شامل می‌شود (همان: ص ۴۷).

با لحاظ این نکته و با توجه به وضعیت صف‌بندی‌های سیاسی که از ابتدای انقلاب تاکنون در ایران رایج بوده است و نیز تعلق خاطری که فضایی حوزه علمیه در تعامل با این صف‌بندی‌ها از خود نشان داده‌اند، می‌توان گفت دو طیف «راست» و «چپ» در کشور از گذشته تاکنون در سپهر سیاسی ایران زمین فعال بوده‌اند. در طیف راست، امروزه گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی مرتبط با «اصول‌گرایان» قرار دارند و در طیف چپ، گروه‌ها و تشکل‌های وابسته به «اصلاح‌طلبان» جای می‌گیرند. بدین‌سان دو جناح سیاسی اصلی کشور، اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان هستند که تا حدود زیادی چارچوب و مواضع فکری و سیاسی آنها در موضوع‌ها و مسائل کشور مشخص و متمایز است. ذیل هر کدام از این دو جناح، تشکل‌ها و گروه‌های سیاسی متعددی فعالیت می‌کنند که اغلب در هنگامه انتخابات ظهور و بروز می‌یابند؛ هرچند در کنار این دو جناح، گروه‌هایی به نام «مستقل‌ها» نیز هستند، ولی به دلیل نداشتن شناسنامه و چارچوب فکری مشخص، در عرصه سیاست ایران فاقد جایگاه و پایگاه هستند.

روحانیت نیز به دلیل احساس تعلق به آرمان‌های انقلاب اسلامی، رسالت اصلی خویش را حفظ و مراقبت از دستاوردهای آن دانسته و برای پاسداری از آنها چاره‌ای جز حضور مؤثر در مجامع و محافل سیاسی نداشته است که به طور طبیعی اصلی‌ترین آنها تشکل‌ها و گروه‌های سیاسی است؛ اما نمی‌توان تأسف خود را پنهان داشت که به رغم تبار حوزوی انقلاب اسلامی و نقش پررنگ روحانیون در شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی، حوزه‌های علمیه از نظر بازتعریف سازوکارهای لازم برای حضور طلاب در عرصه سیاست دچار تأخر بوده‌اند و کاستی‌ها و آسیب‌های آن با وجود همه توجه‌های به سود یا زیان آن محسوس است؛ از این رو حضور در فضای سیاست و مبادرت به سیاست‌ورزی، عرصه را به گونه‌ای بر روحانیت تنگ ساخته است که چاره‌ای جز قرارگرفتن در کنار جناح‌های سیاسی موجود ندارند.

بدین سبب روحانیون نیز در کنار دیگر گروه‌های اجتماعی، سازوکار حضور در عرصه سیاست و قدرت را در قالب جناح‌های سیاسی مطرح کشور جستجو می‌کنند و هر یک به فراخور سلیقه، گرایش و علاقه‌مندی سیاسی خود جذب یکی از جناح‌های مطرح می‌گردند و به طبع در این فرایند با توجه به اصول، ارزش‌ها، ایدئولوژی، راهبردها و مبانی فکری حاکم بر جناح سیاسی، به اتخاذ موضع در برابر جناح رقیب و پافشاری بر آن مبادرت می‌ورزند. بی‌گمان طرد جریان رقیب، حملات شدید و بی‌رحمانه به اقتضای ابزارها و امکانات در اختیار، از اموری است که جناح‌های سیاسی برای از صحنه خارج کردن رقیب استفاده می‌کنند و در این چارچوب روحانیون وفادار به هر جناح نیز در متن خواست‌ها و جناح خویش قرار می‌گیرند و به رغم مخالف بودن آن با اصول و سنت‌های حوزوی و یا حتی مبانی شرعی و عرفی و قانونی، چاره‌ای جز پیشگیری منافع جناح سیاسی خویش و ترجیح آن بر جناح رقیب نخواهند داشت.

با این توصیف، اگرچه هرگونه ابراز وجود سیاسی برای طلاب در شرایط فعلی تنها در قالب جناح‌های موجود سیاسی امکان‌پذیر است، به دلیل محدودیهایی که برای روحانیون از نظر ارتباط با همه اقشار مردم و انجام دادن رسالت دینی‌شان در شعاع همه گروه‌های سیاسی و اجتماعی وجود دارد، قرارگرفتن ذیل جناح‌های سیاسی دورنمای رسالت آنان را تاریک ساخته و از اهداف اصلی‌شان باز می‌دارد.

۵. پیامدهای جناح‌گرایی روحانیت

امروزه هیچ‌کدام از شئون فردی و اجتماعی انسان‌ها را نمی‌توان تصور کرد که به نوعی با سیاست پیوند دور یا نزدیک نداشته باشد. سایه سنگین قدرت و سیاست چنان جدی است که تمام شئون حیات اجتماعی از اقتصاد و فرهنگ گرفته تا دین و اخلاق و تا ورزش و سلامت را تحت تأثیر خود قرار داده است؛ از این‌رو آگاهی به ماهیت امور و پدیده‌های سیاسی و شیوه‌های تحقق فرایندهای سیاسی و سازوکارهای تأثیرگذاری آنها به‌ویژه در عصر کنونی اهمیت بسزایی دارد.

با وجود این، میان معرفت سیاسی و سیاست‌ورزی با شناسنامه جناح‌های سیاسی تفاوت وجود دارد. معرفت و بینش سیاسی به معنی آگاهی از رابطه پدیده‌های سیاسی و کسب شناخت درباره فرایندهای سیاسی است؛ اما سیاست‌ورزی به معنای مقصود در اینجا ایفای نقش کنشگری سیاسی و انجام رفتار سیاسی به منظور تأثیر بر فرایندهای اجرایی کسب قدرت و دسترسی به منافع سیاسی از طریق حمایت یا مخالفت با یک جریان سیاسی است. بدیهی است



سیاست‌ورزی در این معنا هرچند فی‌نفسه امر ناپسندی نیست، مشروط به آن است که کنشگران سیاسی از اقتضائات امور سیاسی آگاهی کافی داشته باشند و از الزامات آن پیروی کنند و از دخالت‌گرایی سیاسی خود به حوزه‌ها و عرصه‌های دیگر پرهیزند.

افزون بر این، روحانیت در جامعه امروز ایران نقش هدایت‌گری و الگودهی قشرهای گوناگون را به عهده دارد و ایفای صحیح این نقش مستلزم وفاداری به الزامات آن است که از جمله آنها مراقبت در اظهارنظرها و داوری‌ها در موضوع‌ها و مسائل سیاسی و اجتماعی به منظور جلب اعتماد عمومی است. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَحَا صَلَحَتِ أُمَّتِي وَ إِذَا فَسَدَا فَسَدَتِ أُمَّتِي، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَنْ هُمَا؟ قَالَ: الْفُقَهَاءُ وَ الْأَمْرَاءُ؛ دو گروه از امت من هستند که هرگاه اصلاح شوند، امت من اصلاح می‌شوند و هرگاه فاسد شوند، امت من فاسد می‌شوند. گفته شد یا رسول‌الله آن دو گروه کدامند؟ فرمود: دانشمندان و حاکمان» (صدوق، ج: ۱: ۳۷). بدین منظور، روحانیون در جریان حضور و ظهور در فعالیت‌های سیاسی خویش باید مراقب آثار و پیامدهای رفتارها و عملکرد خویش در جامعه دینی باشند و عالمانه و منصفانه و بر محور ارزش‌های بنیادی دین اسلام با پدیده‌های سیاسی و اجتماعی مواجهه نمایند و از قرارگرفتن در مسیر خواسته‌های جناح‌ها و گروه‌های سیاسی که اغلب ناظر به منافع و مطامع خاص آنهاست و به سلب اعتماد جامعه و نافرمانی از روحانیت می‌انجامد، پرهیز کنند.

۵-۱. پیامدهای اجتماعی

قوام و دوام یک جامعه به وجود همبستگی، تعاون و تلاش در جهت نظم اجتماعی از سوی همه اعضاست (کوزر، ۱۳۶۹: ص ۱۸۹). روحانیت در مقام قشر تأثیرگذار جامعه در بسیج همگانی برای حفظ و بقای جامعه می‌تواند نقش مؤثری ایفا کند. با وجود این، گرایش به گروه‌های اجتماعی و تشکل‌های سیاسی به معنی احساس تعلق داشتن به آنها و نادیده‌گرفتن انحراف آنها از موازین و قواعد رفتاری جامعه و عدول از منافع جمعی، به تدریج موجب نادیده‌گرفتن مصالح عمومی جامعه می‌گردد و به اصل وجود همبستگی و نظم اجتماعی خلل وارد می‌سازد و جامعه را از رسیدن به اهداف خویش باز می‌دارد. افزون بر این، گرایش به جناح‌های سیاسی موجب افزایش اختلاف نظرها در جامعه و نیز رقابت‌های ناسالم جناحی می‌گردد و نشان کاهش آستانه تحمل روحانیون است که در هر صورت به موقعیت اجتماعی روحانیون نزد دینداران آسیب وارد خواهد ساخت.

۵۲. پیامدهای سیاسی

جناح‌های سیاسی به عنوان بخشی از نیروهای اجتماعی به طور عموم در پی کسب قدرت و تأثیرگذاری بر تصمیم‌های سیاسی بر اساس ایدئولوژی و جهت‌گیری‌های سیاسی خویش هستند (ر.ک: بشیریه، ۱۳۸۲: ص ۱۰۷). حال آنکه نقش هدایت‌گری روحانیون برای جامعه که متأثر از نقش انبیای الهی است، اعتبار و منزلت ویژه به آنان بخشیده است و هزینه‌کردن این اعتبار برای به‌قدرت‌رساندن یک گروه یا تشکل سیاسی، شائبه سهم‌خواهی و وجود انگیزه برای رسیدن به قدرت را در ذهن اعضای جامعه تداعی می‌کند و این موضوع با رسالت واقعی طلاب علوم دینی در تعارض است؛ به‌ویژه آنکه دامن‌زدن به این‌گونه موضوع‌ها سبب غفلت از مسائل مهم داخلی و خارجی مانند مشکلات اقتصادی، خانواده، اعتیاد، روابط بین‌الملل، تحرکات دشمن و مانند آن می‌گردد.

افزون بر این، فرایند پدیده‌ها و امور سیاسی به گونه‌ای است که جناح‌ها و احزاب سیاسی بر اساس سازوکارهای خاص، دچار اقبال و ادبار هستند و به دلیل اقتضائات امور سیاسی باید به لوازم آن تمکین کنند. این اقبال و ادبارها چه‌بسا باعث گردد یک حزب یا جناح به‌طور کلی از صحنه سیاست کنار گذاشته شود و یا زمان طولانی بگذرد تا بتواند اعتبار و نفوذ گذشته‌اش را به دست آورد. بدیهی است وابستگی روحانیون به یک جناح دارای این مخاطره است که با کنار رفتن از فضای قدرت، هرچند به صورت موقت، روحانیون وابسته به آن نیز از هرگونه تلاش حتی به عنوان کنشگر دینی باز بمانند؛ زیرا فرصت‌ها و امکانات از طرف جناح حاکم از آنان گرفته می‌شود و امکان ارتباط با مخاطبان از ایشان سلب می‌گردد و این امر خلاف رسالت روحانیون است که باید همواره در صحنه‌های حیات اجتماعی و فرهنگی جامعه حضور داشته باشند و پیام خود را به همه مخاطبان برسانند.

۵۳. پیامدهای فرهنگی

ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی از ارکان قوام‌بخش فرهنگ هر جامعه است (گیدنز، ۱۳۸۵: ص ۵۶) و احترام و مراقبت از آنها وظیفه همه اعضای جامعه به‌ویژه روحانیون است. از آنجا که روحانیون خود به نوعی متولیان فرهنگ جامعه شناخته می‌شوند، باید در رفتار و اعمال خویش از اموری که فرهنگ عمومی را جریحه‌دار می‌کند، پرهیزند. وابستگی به یک جناح و نادیده‌گرفتن قوت‌ها و ارزش‌های جناح دیگر و یا فراتر از آن، طرد و تبلیغ غیرمنصفانه در حق جناح رقیب،



منافی مصالح فرهنگ جامعه و باعث بی‌توجهی به جایگاه ارزش‌ها و هنجارها به‌ویژه اخلاق‌زدایی از جامعه می‌گردد.

پویایی و تعالی هر جامعه در گرو زیست اعضای آن در سایه فرهنگ غنی و کمال‌یافته است. فرهنگ یک جامعه زمانی در مسیر کمال و ترقی قرار می‌گیرد که قدرت تحمل افراد در برابر عقاید، گرایش‌ها و سلیقه‌های مختلف بالا رفته و برای یکدیگر احترام قائل شوند. روحانیت در مقام قشر نخبه فرهنگی تنها زمانی می‌تواند بر عرصه فرهنگ عمومی و نخبگانی تأثیرگذار باشد که برای همه اقشار پیام مناسب داشته باشد و از طرد و کناره‌گیری از یک بخش به نفع بخش دیگر پرهیز نماید. کاهش آستانه تحمل در پذیرش و همراهی با سلیقه‌های مختلف در جامعه، سبب طرد برخی گروه‌ها و جداافتادگی فرهنگی آنها به‌ویژه در زمینه امور و مسائل مرتبط با روحانیت است. بزرگ‌ترین آسیب چنین رویکردی، چندپارگی فرهنگی و سربرآوردن پاره‌فرهنگ‌های گروهی، قومی، جنسی، ایجاد بدبینی به روحانیت و خنثی‌سازی تلاش‌های مجدانه آنهاست و این امر تلاش روحانیت در زمینه انسجام، تعامل و پیوند بخش‌های مختلف جامعه را با ناکامی روبه‌رو خواهد ساخت.

۵.۴. پیامدهای اعتقادی

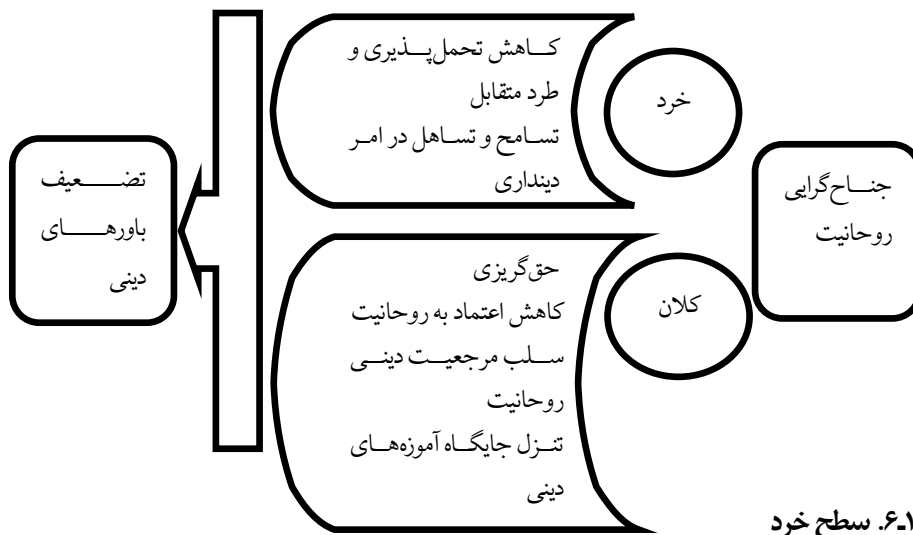
اعتبار و منزلت روحانیت بیش از هر چیز به‌واسطه انتساب آنان به دین است و به دلیل اهمیت و اولویتی که اعضای جامعه دینی برای موضوعات دینی قائل‌اند، قرارگرفتن در کانون توجه مخاطبان برای روحانیون، مستلزم صیانت از این منزلت است که مهم‌ترین سرمایه اجتماعی برای آنان تلقی می‌شود. با وجود این، گرایش‌های سیاسی که اغلب در وابستگی به جریان‌ها و جناح‌های سیاسی تبلور پیدا می‌یابد، از اموری است که سبب می‌شود افراد و گروه‌های اجتماعی رغبت چندانی برای نزدیک شدن به روحانیون از خود نشان ندهند. این امر از آن جهت اهمیت دارد که جامعه دینی متشکل از نحله‌های فکری و مذهبی، گروه‌های قومی و نژادی و غیر آن است و هر کدام از آنها درباره موضوع‌ها و مسائل جامعه خود دارای سلیقه‌ها، گرایش‌ها، باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های خاص هستند و در چارچوب آنها به تحلیل و داوری درباره پدیده‌ها و امور می‌پردازند.

واقعیت آن است که وابستگی به جناح‌های سیاسی به دلیل احساس وابستگی به حزب یا جناح خویش، گاه ممکن است به عدول از چارچوب‌های فکری و اعتقادی بخش‌های مختلف جامعه

رضایت دهند و بدیهی است این امر مطلوب کسانی که پای‌بند به این مبانی هستند، نخواهد بود. بر این اساس، یکی از مهم‌ترین پیامدهایی که این‌گونه گرایش‌های سیاسی برای روحانیون دارد، شکل‌گیری این ذهنیت در جامعه است که منافع و مصالح حزبی و گروهی نزد روحانیون، اهمیت و اولویت بیشتری نسبت به مبانی فکری و اعتقادی‌شان دارد و بی‌گمان این امر در سست‌شدن پایه‌های اعتقادی اعضای جامعه که به روحانیت به عنوان الگوهای دینی نظر دارند، نقش انکارناپذیری دارد.

۶. جناح‌گرایی روحانیت و تضعیف باورهای دینی

وابستگی به جناح‌ها و جریان‌های سیاسی برای روحانیت در دو سطح «خرد» و «کلان» پیامدها و آثاری دارد. در سطح خرد، حق‌گریزی، کاهش تحمل‌پذیری روحانیون و طرد متقابل یکدیگر و نیز رواج تساهل و تسامح در امر دینداری و در سطح کلان، کاهش اعتماد به روحانیت، سلب مرجعیت دینی روحانیت و تنزل جایگاه آموزه‌های دینی را موجب می‌گردد و هر کدام از اینها در تضعیف باورهای دینی اعضای جامعه نقش بسزایی دارند. چگونگی رابطه این سطوح در قالب مدل زیر نمایش داده شده است:



۶-۱. سطح خرد

۶-۱-۱. کاهش تحمل‌پذیری و طرد متقابل

گرایش به جناح‌ها و احزاب سیاسی اغلب سبب می‌شود افراد با ورود به قلمرو آنها، به دلیل تعلق



و تمایل شدید به اهداف و آرمان‌های آنها، همه توان خود را برای تحقق مطلوب و حداکثری آنها به کار گیرند؛ هرچند این اهداف و آرمان‌ها در تعارض و تضاد با دیگر جناح‌ها و جریان‌های سیاسی باشد. بدین سبب از همان آغاز در صدد غیریت‌سازی برآمده و جناح‌ها و جریان‌های دیگر را غیر خود تلقی می‌کنند. به بیان امام خمینی، جبهه‌بندی در نهایت معارضه پیش می‌آورد و هر جناح برای حذف و طرد طرف مقابل خود واژه و شعاری انتخاب می‌کند (ر.ک: امام خمینی، ج ۲۱: ص ۲۸۷). البته ایشان با اصل وجود تشکل‌ها و گروه‌های سیاسی مخالف نبوده‌اند؛ بلکه نگرانی ایشان از تقابل و تعارض جناح‌های مؤمن به انقلاب به گونه‌ای است که باعث سوءاستفاده دشمنان و مرفهان گردد (همان، ج ۲۱: ص ۲۷۸).

ورود این طرز تلقی به فضای طلبگی و حوزه علمیه، باعث می‌شود روحانیون دیدگاه‌ها و آرمان‌های جناح دیگر را برتائیده و به طرد و انزوای آن رضایت دهند؛ هرچند که آنان طلبه‌هایی از جنس خود و دارای شئون حوزوی باشند. بنابراین اختلاف و دودستگی میان روحانیون، یکی از پیامدهای جناح‌گرایی آنان است. حال آنکه روحانیت یک صف بیشتر ندارد و این صف در خط مقدم تلاش برای هدایت و سعادت جامعه است و برتری یافتن منافع گروهی و جناحی بر هدف هدایت و سعادت جامعه، برای روحانیون خطر بزرگی است که خروجی آن اختلاف، دودستگی، دشمنی و طرد متقابل یکدیگر خواهد بود.

بررسی پیشینه قیام‌ها و حرکت‌های دینی و مذهبی در ایران و جهان اسلام نشان از آن دارد که ریشه اصلی آسیب به ایمان مردم، وجود اختلاف، دودستگی و طرد متقابل رهبران و نخبگان جامعه توسط یکدیگر بوده است. سقوط اندلس، ناکامی جنبش مشروطیت، اشغال فلسطین، سقوط دولت عثمانی، نافرجامی نهضت ملی نفت و غیر آن نمونه‌های عینی این واقعیت‌اند.

جان فوران در تحلیل نظری انقلاب اسلامی، با استناد به دیدگاه پژوهشگران انقلاب، معتقد است انقلاب ایران حاصل ائتلاف طبقاتی و مردمی بوده است (فوران، ۱۳۷۷: ص ۵۶۶). او در مقایسه با نهضت‌ها و انقلاب‌های پیشین مانند جریان ملی شدن نفت در سال ۱۳۳۲ و قیام ۱۵ خرداد در سال ۱۳۴۲، ابراز می‌دارد: «یکی از عوامل پیروزی، انسجام و قدرت بیشتر ائتلاف مردمی در سال ۱۳۵۷ بود» (همان: ص ۵۸۵).

قرآن کریم تفرقه و اختلاف را باعث سستی ایمان و رفتن حیثیت مؤمنان دانسته است و دینداران را از قرارگرفتن در ورطه نزاع و اختلاف نهی کرده است: «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا

فَتَقَشُّوْا وَ تَذَهَّبْ رِيْحُكُمْ؛ از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با یکدیگر به نزاع برنخیزید که ناتوان شوید و نیروی‌تان از بین برود» (انفال: ۴۶). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه آورده است: «یعنی با نزاع و کشمکش در میان خود ایجاد اختلاف نکنید و در نتیجه خود را دچار ضعف اراده مسازید و عزت و دولت و یا غلبه بر دشمن را از دست دهید؛ چون اختلاف، وحدت کلمه و شوکت و نیروی شما را از بین می‌برد» (طباطبایی، ج ۹: ص ۱۲۶).

به اعتقاد امام راحل، وظیفه روحانیت حفظ اسلام است تا از این طریق بتوانند مردم را با خود همراه سازند و این امر تنها از طریق وحدت امکان‌پذیر می‌گردد. ایشان تفرقه و اختلاف را از دسیسه‌های شیطان و حفظ اسلام را در گرو کنار هم بودن روحانیون دانسته و می‌فرمود: «از مکاید ابلیس است که نمی‌گذارد همه با هم باشند» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۲۰: ص ۵۷). در جای دیگر، تقابل جناح‌های سیاسی روحانیون را موجب سوءاستفاده دشمنان دانسته و می‌فرماید: «من برای حفظ اعتدال جناح‌ها همیشه تذکرات تلخ و شیرینی داده‌ام؛ چرا که همه را فرزندان و عزیزان خود می‌دانم. البته هیچ‌گاه نگران مباحثات تند طلبگی در فروع و اصول فقه نبوده‌ام؛ ولی نگران تقابل و تعارض جناح‌های مؤمن به انقلابم که مبدا منتهی به تقویت جناح رفاه‌طلب بی‌درد و نق بزن گردد» (همان، ج ۲۱: ص ۲۷۸).

۲-۶. رواج تساهل و تسامح در امر دینداری

هر چند آموزه‌ها و احکام اسلامی مطابق نیازها و ظرفیت‌های وجودی انسان‌ها وضع گردیده است و بنای بر ایجاد تکلیف اضافی یا به زحمت انداختن آنان برای پذیرش دین نبوده است (بقره: ۲۸۶)، ولی ساده‌سازی آموزه‌های دینی و تمکین نکردن به حقیقت احکام شریعت، به تدریج موجب بازشدن دریچه‌های تسامح و تساهل به روی مکلفان در امر دینداری می‌گردد. اعضای جامعه روحانیون را الگوی دینداری خویش می‌دانند و انتظار دارند در همه شئون زندگی اجتماعی خویش در رعایت جوانب شرعی کوشا باشند. چنان‌که به هر دلیل این صنف از برخی وظایف ذاتی خود نسبت به دین از خود سستی نشان دهند، جامعه نیز با تاسی از آنان در امور دینی خویش سهل‌انگاری خواهند کرد.

متأسفانه امروزه ورود به جریان‌های سیاسی، با برخی محذورها و اقتضانات همراه است و اعضا برای تمکین و تبعیت از این اقتضانات، گاه وادار می‌شوند تا هرچند ناخواسته، از برخی اصول و ارزش‌های دینی خود به نفع منافع حزبی و جناحی چشم‌پوشی کنند. این چشم‌پوشی‌ها که



اغلب برای موجه‌سازی آنها تلاش‌های ناموجهی صورت می‌گیرد، اگر مورد استتلابی سیاست‌ورزان روحانی واقع شود، موجب بدبینی دینداران می‌گردد. در چنین شرایطی، زمانی که روحانیون با ارائه توجیه‌های غیر منطقی به‌ویژه بهره‌گیری غیراصولی از قاعده‌هایی مانند «اهم و مهم» یا حفظ نظام و مانند آن درصدد توجیه اعمال و رفتارهای خود در وابستگی به جناح‌های سیاسی بر آیند، نتیجه این قبیل رفتارها در عمل فراخواندن افراد به امکان دست‌شستن از آموزه‌های دینی و تسامح در دین خواهد بود. نیز هنگامی که اعضای جامعه احساس کنند روحانیت به عنوان اصلی‌ترین مرجع و الگوی تبیین و معرفی آموزه‌های دینی، رفتار و عمل‌شان ناسازگار با حقیقت آموزه‌های دینی است، به تدریج باورها، نگرش‌ها و گرایش‌هایشان درباره آموزه‌های دینی به سستی گراییده و از جنبه عملی نیز در انجام‌دادن وظایف و تکالیف شرعی خویش جدیت کافی نشان نمی‌دهند.

۶-۲. سطح کلان

۶-۲-۱. حق‌گزیزی

یکی از پیامدهای ناخواسته تمایل افراطی به جناح‌های سیاسی در جامعه، حق‌گزیزی است که در این صورت معیار اعضای جامعه برای پذیرش حق، گرایش‌های جناحی و قضاوت‌های شخصی است، حال آنکه طبق آموزه‌های دینی، معیار داوری درباره امور، حقیقت و واقعیت نفس‌الامری است. به این سبب امیر مؤمنان علی علیه السلام در پاسخ شخصی که در جنگ جمل از ایشان پرسید چگونه ممکن است شخصیت‌هایی مانند طلحه، زبیر و عایشه بر باطل اجتماع کنند و راه باطل را بپیمایند، فرمود: «إِنَّ دِينَ اللَّهِ لَا يُعْرَفُ بِالرِّجَالِ بَلْ بِآيَةِ الْحَقِّ وَ اعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفِ أَهْلَهُ؛ دین خدا با معیار افراد شناخته نمی‌شود؛ بلکه با معیار حق شناخته می‌شود، حق را بشناس تا اهل آن را بشناسی» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ص ۲۹۶).

آنچه در اسلام معیار شناخت است، نه گروه‌ها، افراد، گرایش‌های سیاسی و دیگر تعلقات آنان، بلکه همه امور با معیار حق سنجیده می‌شوند و آن مقدار از تعلقات و دیدگاه‌ها قابل اعتنا و اعتبار است که بر محور حق ارزیابی گردد. بدین سبب گرایش به جناح‌های سیاسی از طرف روحانیون و حمایت بی‌چون و چرا از آنها به این دغدغه منجر می‌گردد که اعضای جامعه به تدریج به جای تمکین از معیار حق، سراغ دیدگاه‌های افراد و گرایش‌های آنان بروند و به‌جای داوری درباره آنها بر محور حق و واقع، بر اساس تعلقات خویش درباره آنها قضاوت کنند و آنها را به‌جای حق نشانده و پدیده‌های سیاسی را بر محور آنها بسنجند.

مسئولیت تبیین، تحکیم و تبلیغ دین و آموزه‌های آن به عهده روحانیت است. بی‌گمان این رسالت تنها زمانی تحقق‌پذیر است که روحانیت از پایگاه اعتمادی کافی در میان دینداران برخوردار باشد و مسیر و زمینه‌های انتقال و دریافت پیام میان آنان و مخاطبان دارای سازوکار نظام‌مند و تعریف‌شده باشد؛ از این رو چنانکه به هر دلیلی این پایگاه اعتمادی آسیب ببیند، امکان ارتباط‌گیری مناسب و تأثیرگذاری بر مخاطب با مشکل روبه‌رو خواهد شد.

متأسفانه به رغم منع جدی آموزه‌های اسلامی از ورود غیرآگاهانه به موضوع‌ها و مسائل زندگی، گاه دیده می‌شود برخی از وروده‌های روحانیون به حوزه سیاست به عنوان یک حوزه دانشی، غیرهوشمندانه و بدون آگاهی از ابعاد و عمق آنهاست. ورود غیرعالمانه به مسائل تخصصی در نگاه اسلامی مذموم است و به این سبب خداوند در قرآن کریم خطاب به رسول خدا فرموده است: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا؛ دنبال چیزی را که بدان علم نداری مگیر؛ زیرا گوش، چشم و دل، همه بازخواست خواهند شد» (اسراء: ۳۶). بر همین اساس، بزرگان دین دربارهٔ تجارت و کسب درآمد از طریق فعالیت اقتصادی، آگاهی از شیوه معامله‌کردن و آگاهی از ابعاد و جزئیات آن را ضروری دانسته‌اند؛ از این رو امام علی علیه السلام فرموده است: «مَنْ اتَّجَرَ بَعَيْرِ فِقْهِ فَقَدْ اِزْتَمَ فِي الرَّبَا؛ آن که بدون آشنایی با احکام به تجارت پردازد، در ورطه ربا گرفتار شود» (شریف رضی، ۱۳۹۵ق: ص ۴۳۹). اگر ورود به عرصه تجارت که با بُعد مادی حیات انسانی مرتبط است، به شناخت و آگاهی کامل نیاز دارد، ورود به میدان سیاست که با فکر و روان انسان‌ها ارتباط می‌یابد، به آگاهی بیشتر نیاز دارد.

با وجود چنین تأکیدها و ملاحظه‌هایی، ضروری است فضیلتی حوزه علمیه که از جایگاه مرجعیت علمی در حوزه معارف اسلامی برخوردارند، بدون آگاهی کافی از فرایندهای سیاسی و اقتضانات امور سیاسی، از ورود به عرصه‌هایی که به تخصص کافی نیازمندند، پرهیز نمایند. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که چگونگی تصمیم‌گیری‌های سیاسی، نقش احزاب، تشکل‌ها و جریان‌های سیاسی در شکل‌گیری تصمیم‌های سیاسی، فرایند خلق و ایجاد امر سیاسی، اقتضانات، اصول حاکم و سازوکار مواجهه با امور سیاسی و موضوعاتی از این دست، جز با آگاهی از ماهیت این پدیده‌ها و کسب تجربه و تخصص برای مواجهه با آنها امکان‌پذیر نیست و هرگونه ساده‌سازی در این زمینه، نزد کارشناسان و صاحب‌نظران این حرفه پذیرفته نیست. این امر



از مصادیق ورود غیر آگاهانه و غیر مسئولانه در یک موضوع تلقی می‌شود که در منابع و متون دینی از آن نهی شده است. نخستین آسیب چنین مواجهه‌ای، سلب اعتماد مخاطبان از روحانیون در زمینه موضوعات و مباحث مهم دیگری است که رسالت اصلی آنان تلقی می‌گردد و این انتظار وجود دارد که درباره آنها بتواند اقناع کافی برای مخاطبان خویش ایجاد کنند.

۳-۲-۶. سلب مرجعیت دینی روحانیت

جناح‌های سیاسی از یک سو طرفداران و مخالفان فراوان دارند و از سوی دیگر واجد ضعف‌ها و قوت‌های متعدد هستند و همچنان که طرفداران بر قوت‌ها تأکید می‌ورزند و ضعف‌ها را نادیده می‌شمارند، مخالفان به طور گسترده برای برجسته‌کردن و عیان‌سازی ضعف‌ها تلاش می‌کنند. بر این اساس، باید دانست طرفداری یا مخالفت روحانیت با یک جناح سیاسی در حالی صورت می‌گیرد که اعضای جامعه به‌ویژه مخالفان، از ضعف‌ها و آسیب‌های آن آگاهی کامل دارند و طرفداری روحانیون از آن را بر ناآگاهی یا داشتن منافع حمل می‌کنند که هر دو برای روحانیون مذموم است و به موقعیت آنان آسیب وارد می‌کند. بی‌گمان کاهش منزلت روحانیت به معنای آسیب‌دیدن مرجعیت دینی آنان و گرایش به اندیشه‌های رقیب به‌ویژه اندیشه‌های غیردینی برای برآورده‌شدن نیازهای روحی و معنوی است.

افزون بر این، روحانیت به عنوان مرجعیت دینی جامعه، حامل پیام دین برای همه اقشار، گروه‌ها، جناح‌ها و تشکل‌های سیاسی است و این پیام می‌بایست بدون در نظر گرفتن سلیقه‌ها، گرایش‌ها و طرز تلقی‌ها به گوش همگان برسد و از یک‌سونگری و اختصاص آن به قشر یا گروه خاص پرهیز شود. تمرکز پیام دین برای یک جریان خاص، سبب می‌شود دیگر گروه‌ها، از حاملان پیام دین فاصله گرفته و با آنها احساس قرابت و همسویی نداشته باشند. بی‌گمان کمترین پیامد فاصله‌گرفتن دینداران از حاملان و مبلغان پیام دین آن است که به تدریج شناخت و تمایل آنان به آموزه‌های دین روند کاهشی یافته و برای جبران آن جذب اندیشه‌های رقیب شوند و پاسخ پرسش‌های خود را از آن طریق جستجو کنند.

این در حالی است که قرآن کریم بارها مؤمنان را از دوستی و گرایش به غیر مؤمنان پرهیز داده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْفُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمُؤَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید دشمن من و دشمن خودتان را دوستان خود مگیرید، آیا با آنان دوستی می‌کنید با اینکه به شریعت حقی که برای شما آمده است کفر

می‌ورزند» (ممتحنه: ۱). نیز فرموده است: «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعُنُكُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعُنُكُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ؛ مثل کسانی که غیر خدا را به دوستی برگزینند همچون خانه‌ای است که عنکبوت بسازد و به‌درستی سست‌ترین خانه‌ها، خانه عنکبوت است اگر بدانند» (عنکبوت: ۴۱).

۶-۲-۴. تنزل جایگاه و منزلت آموزه‌های دینی

روحانیون به عنوان نگهبانان دین و شریعت الهی در موقعیت عدم حضور امام معصوم علیه السلام، پیوندی ناگسستگی با احکام و آموزه‌های دینی دارند و از این جهت، جامعه دینی با ارجاع به آنان از چستی و چگونگی وظایف دینی و شرعی خویش آگاهی می‌یابند. طرفداری از مواضع یک جناح سیاسی بدون ملاحظه نقاط ضعف آن و نیز بی‌توجهی به قوت‌ها و امتیازهای جناح رقیب، موجب تنزل جایگاه و منزلت آموزه‌های دینی نزد دینداران می‌گردد.

بی‌اهمیتی و بی‌مبالاتی نسبت به احکام و آموزه‌های شرع، موجب پناه‌بردن به دامان سکولاریسم می‌گردد. سکولاریسم هرچند به طور مستقیم به نفی دین حکم نمی‌کند، منزلتی نیز برای احکام و آموزه‌های دینی قائل نیست. یکی از دلایل این بی‌مبالاتی، اولویت‌یافتن منافع گروهی و جناحی بر اصول و ارزش‌های دینی نزد متولیان امر دین است که گاه هرچند به‌طور ناخواسته از سوی برخی مبلغان دینی یا کنشگران روحانیون سیاسی اتفاق می‌افتد. بی‌گمان در این مسیر گاه علایق و سلايق سیاسی و جناحی لعاب دینی و شرعی به خود می‌گیرد و به‌ویژه طلاب جوان از باب تکلیف شرعی، علایق سیاسی خود را بر احکام شرعی تحمیل می‌کنند.

تقدم منافع گروهی و حزبی بر اصول و مبانی ارزشی و دینی، به مرور این ذهنیت را برای طیفی از مخاطبان که به لحاظ مبانی معرفتی دچار کاستی‌اند، ایجاد می‌کند که اساساً دین و اصول و ارزش‌های آن ابزاری برای تحمیل و تأمین مقاصد و اهداف حزبی بر جامعه است. امام خمینی با اشاره به مخاطره‌های تقدم منافع جناحی بر مصلحت دین و انقلاب می‌فرماید: «اگر در این نظام کسی یا گروهی خدای ناکرده بی‌جهت در فکر حذف یا تخریب دیگران برآید و مصلحت جناح و خط خود را بر مصلحت انقلاب مقدم بدارد، حتماً پیش از آنکه به رقیب یا رقبای خود ضربه بزند، به اسلام و انقلاب لطمه وارد کرده است» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۲۱: ص ۱۷۹).

نتیجه‌گیری

با توجه به پیوند تنگاتنگ میان آموزه‌های دین اسلام و سیاست جامعه، حضور در عرصه



کنشگری سیاسی برای طلاب حوزه‌های علمیه امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است امام خمینی علیه السلام، نماد پیشروترین روحانی سیاست‌ورز در جامعه اسلامی است که کنشگری سیاسی او آثار و برکات فراوانی برای جامعه اسلامی به همراه داشته است.

میان داشتن معرفت و بینش سیاسی، با گرایش و تعلق سیاسی به گروه‌ها و جناح‌های سیاسی، تفاوت و تمایز وجود دارد و هرچند اصل داشتن دانش سیاسی برای طلاب امری ضروری تلقی می‌شود، اما قرار گرفتن ذیل بیرق جناح‌ها و جریان‌های سیاسی برای روحانیون امری ناپسند است که دارای پیامدهای گوناگون، از جمله پیامدهای اعتقادی است و جامعه دینداران از آن تلقی منفی دارند.

بدون تردید جناح‌گرایی روحانیون تضعیف باورهای دینی را به دنبال دارد و موجب کاهش اعتماد به روحانیت، گرایش به اندیشه‌های رقیب، رواج تساهل و تسامح در امر دینداری، حق‌گریزی، تنزل جایگاه و منزلت آموزه‌های دینی و کاهش تحمل‌پذیری و طرد متقابل می‌شود.

کتابنامه

قرآن کریم

۱. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۶)، صحیفه امام، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲. _____ (۱۳۸۸)، ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی، چاپ بیستم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۳. بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی سیاسی، چاپ نهم، تهران: نشر نی.
۴. تایشمن، جنی و وایت، گراهام (۱۳۷۹)، فلسفه اروپایی در عصر نو، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
۵. جمال‌زاده، ناصر (۱۳۸۲)، اصطلاحات سیاسی، قم: نشر پارسیان.
۶. حق‌شناس، علی محمد و دیگران (۱۳۸۶)، فرهنگ معاصر هزاره، چاپ هفتم، تهران، فرهنگ معاصر.
۷. دیلمی، حسن (۱۴۱۲ق)، إرشاد القلوب إلى الصواب، چاپ اول، قم: شریف رضی.
۸. رنی، آستین (۱۳۷۴)، حکومت؛ آشنایی با علم سیاست، ترجمه: لیلا سازگار، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.



۹. شریف رضی (۱۳۹۵ق)، نهج البلاغه، تدوین: صبحی صالح، قم: هجرت.
۱۰. شیرازی، صدرالدین (۱۳۵۴)، المبدأ والمعاد، تصحیح سیدجلال‌الدین آشتیانی، تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
۱۱. صدوق، محمدبن‌علی بن بابویه (۱۳۶۲)، الخصال، ج ۱، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. فوران، جان (۱۳۷۷)، مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه: احمد تدین، چاپ اول، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
۱۴. کریمی، محمدکاظم (۱۳۹۵)، «ساحت اجتماعی سکولاریسم»، اسلام و مطالعات اجتماعی، ش ۱۲.
۱۵. کوزر، لیویس (۱۳۶۹)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی.
۱۶. گیدنز، آتونی (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، چاپ شانزدهم، تهران: نشر نی.
۱۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.